



جلد شماره ۲۰۸ را هم به دست سانگ و گروه همراهش رساندیم. سانگ از دیدن طرح جلد حسابی شوکه شد!

کنفرانس خبری سانگ به روایت تصویر جومونگ! خودتی؟



بساط میوه و شیرینی در لابی مرکز همایش‌ها به راه بود



وقتی سانگ وارد سالن شد همه کف کردند؛ سانگ به خاطر این همه استقبال و ملت به خاطر دیدن جومونگ از نزدیک



کامران نجف زاده هم با بچه اش (کیان) به کنفرانس خبری آمد و همان شب هم خیرش را روی آنتن خبر ۲۰:۳۰ برد!



سانگ که انگار تا حالا این همه نور فلاش و میکروفن ندیده بود حسابی کیفور بود

آخرهای هفته، «سانگ» بازیگر جومونگ به تهران آمد. او سه‌شنبه دو ساعتی در حلقه خبرنگارها حاضر شد و از نوع واکنش‌ها کف اش برید

خیمه امپراتور در تپه‌های جام جم

احسان ناظم بکایی

«مقدم مهمانان را به کنفرانس خبری سانگ (جومونگ) خیر مقدم عرض می‌کنیم!» دم در ورودی صداوسیما، کنار در مرکز همایش‌ها این بلبورد را نصب کرده‌اند؛ آن هم در چند قدمی ساختمان شیشه‌ای که در طبقه چهارم آن دفتر رئیس صداوسیما قرار دارد؛ صداوسیما بی‌کی که خودش جومونگ را خریده، دوبله کرده و روی آنتن فرستاده اما حالا که موقع بهره‌برداری از محصول است یک شرکت تولید محصولات الکترونیکی پیش‌دستی کرده و نه تنها جومونگ را دعوت کرده بلکه زیر گوش مسوولان رسانه ملی در حال در و کردن محصول است. طبق معمول، تلویزیون ایران، منفعل و بی‌تفاوت در گرمای مردادی است. لابی مرکز همایش‌ها به ویتترین فروشگاه‌های خیابان شریعتی می‌ماند؛ پر از تلویزیون‌های تخت، دی‌وی‌دی پلیر و وسایل صوتی. وسط لابی هم بساط میوه و شیرینی و نسکافه به راه است و طبق روال، شلوغ‌تر. قیافه‌ها بیشتر به عشاق جومونگ می‌خورد تا خبرنگار؛ چشمان منتظر و هیجان. ۱/۵ ساعت تاخیر. کلاغ‌ها خبر می‌دهند استاد در اتاقی در هتل استقلال در حال تناول غذای گیاهی هستند چون گیاهخوار تشریف دارند؛ بی‌خیال جماعتی که در لابی همایش‌ها هستند.

عقره‌ها از ۳:۳۰ رد شده که در اتاق کنفرانس خبری باز می‌شود. خبرنگارها جاگیر می‌شوند و عکاس‌ها هم دنبال محل مناسب برای شکار سوژه. ۲۰ نفری در سالن جا شده‌اند. کنار تریبون، پرچم‌های کره و شرکت هست ولی از پرچم ایران خبری نیست. لوگوی پرس‌تی‌وی، واحد مرکزی خبر، کوثر، باشگاه خبرنگاران جوان و شبکه خبر روی میکروفون‌هایی که جلوی آن کاغذی با عبارت «آقای سانگ ایل گوک» قرار دارد توی چشم است. فکر کنم خیلی از وزرا آرزوی این همه میکروفون را دارند.

زیبا، هوشمند و هماهنگ

«اومدش اومدش» با ورود سانگ صدای فلاش عکاس‌ها بلند می‌شود. بنده خدا خودش هم کپ کرده. هنوز ننشسته چند تا خبرنگار از او امضا می‌گیرند! رئیس ایرانی و کره‌ای هم هستند که کسی با آنها کاری ندارد. بعد از پخش سرود ملی کره و ایران و خوش آمدگویی‌های معمول، رئیس شرکت، اولین جمله بترکان را می‌گوید: «جومونگ مثل محصولات ما سه ویژگی دارد: طراحی زیبا، تکنولوژی هوشمند و هماهنگ با زندگی مشتری»؛ چه شباهتی! قائم‌مقام شرکت هم کم‌نمی‌آورد و چیزی توی این مایه‌ها می‌گوید که «ما مسیر غیرمعتاد برای تبلیغ داریم؛ یک بار اسپانسر کلاه قرمزی بودیم، بعدا یکی دیگر را می‌آوریم».

حالا نوبت سانگ است. مجری خوشحال چنان با هیجان می‌گوید «و حالا تن صدای جومونگ را می‌شنویم» که همه فکر می‌کنند استاد، شجریان یا ناظری است. سانگ، اول تریپ ناراحتی از مرگ رئیس جمهور سابق کره را که امروز مرده برمی‌دارد. آشنایی او با ایران فقط به فیلم «بچه‌های آسمان» و حضور در تمرینات والیبال سایپا محدود است. توی همین هاگیرواگیر، سوالات شروع می‌شود. خبرنگارهایی که از نشریات درست و حسابی هم هستند تقریباً روی نشریات زرد را سفید می‌کنند. مترجم که خانم کره‌ای میانسانی است، سؤال و جواب‌ها را خلاصه ترجمه می‌کند؛ نه ادبی و نه ترتیب خاصی؛ هر که پروتر، اول‌تر.

مُرد، چون من محبوبم

«از اینکه یک جوان خودش را کشته ناراحت می‌کنی او بداند همه پسرهای کره عاشق سوسانو هستند و رقیب، زیاد دارد»؛ این عکس‌العمل سانگ در برابر خبر خودکشی جوان یاسوجی است. «متأسفم اما این اتفاق نشانه محبوبیت جومونگ است»؛ این هم عکس‌العملش به ماجرای مرگ دختر چهارساله. سانگ پخش آب شده؛ «شنیده‌ام جومونگ ترافیک تهران را حل کرده. توی کره هم خانم‌ها خوشحالند چون شوهرانشان زودتر برمی‌گردند.»

من کی رفتم همشهری جوان؟!

اما کفایت شماره ۲۰۸ را دستش بدھیم تا فکش بیفتد پایین. جلد برای او جذاب است؛ «توی کره هم مطبوعات این جور چیزها را زیاد می‌نویسند؛ اینکه من با سوسانو از دواج کرده‌ام. اما متأسفانه با کس دیگری از دواج کرده‌ام.»

چند نفر آه معناداری می‌کشند! بچه‌های تلویزیون و واحد مرکزی خبر هم که خودشان را صاحبخانه و محق می‌دانند - لابد چون محل جلسه در مرکز همایش‌هاست - چندتا سؤال می‌کنند که معلوم است اصلاً به سؤال‌های بقیه گوش نکرده‌اند. نجف زاده هم بچه به بغل وارد می‌شود. بچه‌های تلویزیون انگار آمده‌اند پارک، جومونگ بازی.

ساعت از پنج گذشته و دیگر کسی حال و حوصله ندارد. جلسه با تشکر و چیلیک چیلیک دوباره عکاس‌ها تمام می‌شود. سانگ دوری در لابی می‌زند ولی خبرنگارهای زنگ‌تر دم در صف کشیده‌اند تا دی‌وی‌دی پلیر مفتکی هدیه بگیرند.

